



۲۰۲۰/۰۲/۱۱

محمد داؤد مومند

مقاله استاد خلیل الله معروفی در مورد لوی احمد شاه بابا



سالیان قبل، در کدام جایی، سعادت مطالعه مقاله ناب استاد خلیل الله معروفی در مورد بابای بزرگ و کبیر ملت افغان یعنی احمد شاه بابا برابم میسر شد، مقاله مذکور را با قلم خود یادداشت نمودم و آن را مانند تعویذ مذهبی گرامی دانسته و نگه داشتم.

به نظر این جانب در وضع موجوده جامعه ما، که احساسات کاذب نژاد پرستی به حدی رسیده که افرادی مانند رشید دوستم و امثال و اقران او، خود را اولاده تیمور لنگ و چنگیز میدانند و برخی هم مانند شورای نظاری ها و پیروان جمعیت ستم پرچم که متأسفانه امروز اکثریت نفوس تاجک تبار کشور را تشکیل میدهد و تأریخ معاصر کشور ایشان به نام سقاوی های دوم قلمداد میکند، مبداء تأریخ کشور ما را از دوره حکومت بچه سقو و دوره سقاوی های اول، حساب می کنند.

استاد معروفی از زمره نویسندگان انگشت شمار تاجک تبار جامعه ماست که نه تنها کوچکترین احساس ضد پشتون تباران کشور، زعما و بزرگان این قوم و زبان و ثقافت شان نداشته، بلکه یکی از حامیان بسیار جدی تأریخ ملی و السنه و افتخارات ملی این کشور است.

استاد معروفی به حیث یک عنصر ملی و مستشعر به مقدسات و افتخارات ملی دایم از اصطلاحات زبان پشتون تباران کشور مانند پوهنتون و غیره در مقام دفاع پرداخته و با منطق فضل و دانش خود، اکاذیب شیطانی سقاوی های دوم را خنثی نموده است.

مبارزه علنی و منطقی وی علیه ترویج و تهاجم اصطلاحات ایرانی در السنه وطنی در برابر مردان ملی و بی کلتور و ایران زده، که یومیه در نوشته های خود به عوض اصطلاحات معمول، افغان شمول و متداول کشور، آن را به کار می برند قابل ارج فراوان است.

مقاله استاد معروفی در مورد لوی احمد شاه بابا که گویا محتویات یک رساله را، در یک مضمون تلخیص نموده اند، گویای ادعای فوق الذکر من است.

استاد معروفی می نویسند:

یک حلقه خاص از هموطنان خارج افغانستان، که تعلیم یافته و به اصطلاح روشنفکر هم هستند، غمین اند و ماتم می کنند که از قرن هژدهم به بعد افرادی از قوم پشتون و به زعم غلط ایشان «قوم پشتون» بر افغانستان حکمرانی کرده اند، اما باکی ندارند و چرت شان خراب نمی شود که تنها از ظهور اسلام بدین سو، اعراب، خاندان های ترک نژاد «غزنوی و سلجوقی» مغولان، تیمور و احفادش و تیموریان هند، بیشتر از هشت قرن بر این سرزمین حکم چلاندند. اینان اصلاً دل خوش ندارند، که بر ویرانه های خراسان کشوری به نام افغانستان سر بلند کرد، که خداهش همیشه سر بلند دارد!!!!

اینان شاید آرزو می کنند، که کاش این وطن، خاک به دهن بد خواهان، افغانستان، در حال تجزیه و زیر سیطره فارس صفوی و شیانیان ماورالنهر و هند بابری می بود، هرگز مستقل نمی گشت و تمامیت ارضی نمی یافت. اینان دیده ندارند و تحمل کرده نمی توانند، که فردی از قوم پشتون، که مانند اقوام دیگر، یک قوم شریف و اصیل این سرزمین است، کشوری را بنیاد نهاد.

اگر اینطور نیست، پس چرا به خود نبالیم، که فردی از باشندگان اصیل این خطه پاک، قد علم کرد و دولت مستقلی را تشکیل داد؟؟؟

چرا افتخار نکنیم که احمد شاه درانی که برحق «احمد شاه بابای کبیر» لقب گرفته، از قلزم خرابه های افغانستان و از اجزای مجزای آن کشوری ساخت که امروز به نام افغانستان یاد می گردد، نام و بقایش مستدام باد. بلی باید افتخار کنیم که درین سرزمین افتخار آفرین، دو صد و پنجاه سال قبل بالاخره مردی پیدا شد که بعد از اضمحلال و تجزیه و تسلط غیر، کشور مستقلی را تأسیس کرد و حدود و ثغور طبیعی برایش داد. در جایی خوانده بودم که یک مؤرخ نامدار غربی، برخاستن افغانستان را از خرابه هایی از خراسان «معجزه تأریخ» خوانده بود.

به پا خاستن یک کشور مستقل و مقتدر از عظام رمیم خراسان، واقعاً در خور هرگونه شکرگزاری و سپاس است. بودند کشور های که چون زیر تسلط بیگانه رفتند، دیگر هرگز سر بالا نکردند و امروز نشانی از ایشان سراغ نمیگردد. اگر احمد شاه بابای کبیر از یکی از اقوام دیگر این وطن مقدس بر میخاست و نام کشور ما را مثلاً ترکستان، هزارستان و یا تاجکستان مسمأ میکرد، باز هم این غال مغال «قال مقال» و قیل و قال و واویلا وجود می داشت؟؟ گمان نکنم، جواب من است. ختم

معروفی صاحب

جواب شما صد در صد درست است.

عمر دی پیر شه گرانقدر معروفی صاحب.

*** **

یادونه:

که چیری گران لوستونکی و غواری چی د دی معززی لیکونکی مقالی هم ولولی، نو کولای سی چی، پر انخور باندی

د «کلیک» په اجرا کولو سره د لیکونکی مقالی د «آرشیف» فهرست ته، لار بنودنه تر لاسه کړی!

مقاله استاد معروفی در مورد لوی احمد شاه بابا